

عاقبت چه بر سر قورباغه آمد؟
(داستان‌های کودکانه)

پتر هر تلینگ
تصویرگر: پتر کنور
ترجمه: گیتا رسولی



سرشناسه: هارتلینگ، پتر، ۱۹۳۳ - م.

Hartling, Peter

عنوان و نام پدیدآور: عاقبت چه می‌شود؟ (داستان‌های

کودکانه) / پتر هارتلینگ؛ تصویرگر پتر کنور؛ ترجمه گیتا رسولی.

مشخصات نشر: تهران: آفرینگان، ۱۳۹۲.

مشخصات ظاهری: ۱۶۰ص: مصور.

فروست: نشر آفرینگان؛ ۱۱۶.

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۶۷۵۳-۰۶-۵

وضعیت فهرست‌نویسی: فیا

یادداشت: عنوان اصلی: Geschichten für kinder.

موضوع: داستان‌های آلمانی -- قرن ۲۰م.

شناسه افزوده: کنور، پتر، ۱۹۵۶ - م. تصویرگر

شناسه افزوده: Knorr, Peter

شناسه افزوده: رسولی، گیتا، ۱۳۴۱ -، مترجم

رده‌بندی کنگره: ۱۳۹۲ ع۲ ۴۱۶/الف PT۲۶۸۶

رده‌بندی دیویی: ۸۳۳/۹۱۴

شماره کتاب‌شناسی ملی: ۳۰۷۴۱۸۳

این کتاب ترجمه‌ای است از:

Geschichten für Kinder

Peter Härtling

Bilder von Peter Knorr

Beltz & Gelberg, 1988



نشر آفرینگان

تهران، خیابان انالاب، خیابان منیری جاوید،

کوچه مین شماره ۴، تلفن ۶۶ ۴۱ ۳۶ ۶۷

آماده‌سازی، نور فنی و توزیع:

انتشارات ققنوس

پتر هرتلینگ

عاقبت چه بر سر قورباغه آمد

(داستان‌های کودکانه)

تصویرگر: پتر کنور

ترجمه گیتا رسولی

چاپ اول

۱۳۹۲

۱۱۰۰ نسخه

چاپخانه شمشاد

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۶۷۵۳-۰۶-۵

ISBN: 978-600-6753-06-5

حقوق چاپ و نشر محفوظ است.

۶۵۰۰ تومان

فهرست

۱۱	فراری
۲۵	عاقبت چه بر سر قورباغه آمد؟
۳۵	فرگوش تئودور
۴۳	درختچه متحرک
۴۹	آبرک
۵۷	یک جویه بی پناه دیگر
۶۵	عروسک در بدر
۷۷	هویج
۸۵	چمدان
۹۵	پرنده و فریدر چطور با هم حرف می زنند
۹۷	پسر زرد پوست
۱۰۷	خانم یک چشم

کارهای روزمره بچه‌ها

- ۱۱۹ فابیان به مدرسه می‌رود
- ۱۲۰ فریدریکه هواپیما را
- ۱۲۱ کلمنز می‌خواند
- ۱۲۲ داستان واقعی فابیان و سیلی فورتن او
- ۱۲۳ تعریف فریدریکه از ماهی‌های هلند
- ۱۲۴ کلمنز یک داستان واقعی تعریف می‌کند ولی خیلی هم واقعی نیست
- ۱۲۵ بعد از این‌که کلمنز از بچه‌ها افتاد فریدریکه برایش شعر می‌سازد
- ۱۲۶ بابا روزها خانه نیست
- ۱۲۷ مامان یک عالمه کار را یکجا انجام می‌دهد
- ۱۲۸ بطور شد فابیان از سه چرخه افتاد و به بیمارستان رفت
- ۱۲۹ توی شکم مامان یک نی‌نی است

پتر هرتلینگ در سال ۱۹۳۳ در شمینتز متولد شد و اکنون در والدرف / هسن زندگی می‌کند. آثار وی در قالب شعر، رمان و مقاله منتشر شده است. او علاوه بر دریافت جوایز ادبی، جایزه کتاب نوجوان آلمان در سال ۱۹۷۶ و جایزه کتاب کودکان زوریخ در سال ۱۹۸۰ را به خود اختصاص داد. آثار وی که تا کنون انتشارات پلنس و گیلبرگ آن‌ها را به چاپ رسانده است عبارتند از: او هیربل بود، مادر بزرگ، تنو جیم می‌شود، بن عاشق آنست، مآجرهای رُفی، عموجان، یاکوب پشت در آبی، چوب زیر بغل.

پتر کنور در سال ۱۹۵۶ در مونیخ متولد شد و اکنون در بیسلفزهایم در نزدیکی ماینس زندگی می‌کند. او فارغ‌التحصیل رشته هنر در ماینس است و در حال حاضر در زمینه طراحی و تصویرگری کار و فعالیت می‌کند.

خوانندگان گرامی!

این طور شروع می‌کنم چون می‌خواهم شما را با این عنوان خطاب کنم. این عنوان مرا به فکر واداشت. آخر من که شما مخاطبانم را نمی‌شناسم. شاید به طور اتفاقی یک نفر از شما را بشناسم ولی آن یک نفر یکی است از میان هزاران نفر. این چیز عجیبی است که همیشه مرا سردرگم می‌کند. نویسنده‌ها بیش‌تر خوانندگانشان را نمی‌شناسند ولی با وجود این می‌نویسند. در گذشته زمانی که هنوز کتابی چاپ نشده بود و بیش‌تر مردم خواندن بلد نبودند نقل‌ها رو در رو برای مردم داستان‌هایی را نقلی می‌کردند. آن زمان خوانندگان همان شنونده‌ها بودند. وقتی در جمع سر و صدا به پا می‌شد نقل می‌فهمید که داستانی آن قدر که باید پرهیجان نبوده یا وقتی کسی به حرف‌هایش نمی‌خندید می‌فهمید حرف‌هایش آن اندازه که فکر می‌کرده بامزه نبوده است. به این ترتیب رضایت یا نارضایتی فوراً خود را نشان می‌داد. اما امروزه فرق می‌کند. ما نویسنده‌ها موقع نوشتن تنها می‌بینیم بعضی از نویسنده‌ها نوشته‌هایشان را در خانواده یا جمع دوستان می‌خوانند. بسیاری همین کار را هم نمی‌کنند. و وقتی داستان، رمان یا شعرشان تمام می‌شود در واقع آن‌ها باز هم تنها می‌مانند.

ناشر کتاب را چاپ می‌کند و آن را برای کتابفروشان می‌فرستد. کتاب در ویرین قرار می‌گیرد تا فروخته شود. در این موقع نویسنده بیش‌تر از هر وقت دیگری به خواننده‌های ناآشنایش فکر می‌کند و سعی می‌کند آن‌ها را در نظرش مجسم کند. او به این فکر می‌کند که چه تعداد خواننده در این شهر و آن شهر اثرش را خوانده‌اند. چهره‌ها و گفت و شنودها به نظرش می‌آید و فکر می‌کند که این خانم یا آن کودک هم‌اکنون در حال خواندن کتاب او هستند. در واقع او با این تصورات دوباره یک داستان جدید روایت می‌کند؛ داستانی به مناسبت یک داستان، داستانی از خواننده‌های احتمالی‌اش.

گاهی نویسنده از طرف خواننده‌های آثارش نامه‌هایی دریافت می‌کند که

اصلاً نمی‌توانید تصور کنید تا چه اندازه این نامه‌ها برای او اهمیت دارند. این نامه‌ها برایش در حکم پیامند یا حتی بیش‌تر. مثلاً گاهی یک نفر نظر می‌دهد و می‌گوید: «می‌فهمم چه می‌گویی». یا: «چرا برایم دقیق‌تر تعریف نکردی؟» یا: «چنین چیزی برای من هم اتفاق افتاده است.»

در چنین لحظه‌ای نویسنده از خوشحالی در پوستش نمی‌گنجد. حالا حتی موقعی که او تنها پشت میزش می‌نشیند هم دیگر تنها نیست. ما نویسنده‌ها به تخیلات شما بچه‌ها احتیاج داریم. این تخیلات آینده‌ما هستند. شاید ایده‌ها و رؤیاهای ما بخشی از زندگی شما باشند، همان‌طور که قسمتی از زندگی ما نیز هستند.